

اهمیت موضوع :

در کشورهای در حال توسعه مهاجرت روستاییان به جوامع شهری در حقیقت انتقال فقر روستاها به شهرها است. این توده های انبوه انسانی که در مرحله تحول از زندگی روستایی به شهری قرار می گیرند ، برای تطبیق و تثبیت وضع موجود خویش از نظر اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند در حاشیه شهرها زندگی کنند. افزایش جمعیت ، مهاجرت های بی رویه روستائیان را در پی دارد. این مهاجرتها مسایل و دشواری هایی را به بار می آورد که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱ . شغل های کاذب و فریبندگی و جاذبه های کاذب شهرها موجب فزونی مهاجرت های بی رویه روستاییان به شهرهای بزرگ ، بخصوص شهرهای مرکزی استانها یا مرکز کشور می شود.

۲ . مهاجران و روستاییان که بدون برنامه ریزی قبلی به شهرها هجوم می آورند ، با بیکاری نامحدود مواجه شده ، ناچار به کارهای غیر قانونی و ضد اجتماعی چون: خریدوفروش مواد مخدر ، واسطه گری و دلالی و امثال آن تن در می دهند و در نتیجه موجب اشاعه اعتیاد و توزیع مواد مخدر می گردند .

۳ . روستاییانی که به فرهنگ و زندگی ساده خود پشت پا زده ، به نقاط شهری روی می آورند ، به خاطر نامتجانس بودن با شیوه زندگی شهری ، هویت خود را کم و بیش از دست می دهند و در محیط های نامانوس شهری مرتکب جرم می شوند.

۴ . در چند دهه گذشته ، وابستگی به روستا و انتساب به ده ، نوعی ضد ارزش محسوب می شد و نوعی تحقیر اجتماعی را به دنبال داشت ، تا جایی که واژه دهاتی در اکثر موارد نوعی توهین به حساب می آمد.

بی شک، در چنین فرهنگی ، فرار از زندگی روستایی و پناه بردن به شهر ، به خودی خود ارزشمند و مطلوب تلقی می شود. برای مثال. در جامعه شهری تهران ، شاهد برخورد فرهنگ روستایی و فرهنگ شهری و رفتارهای ناشی از این فرهنگها هستیم . تنوع شهرنشینان این شهر از لحاظ سن ، جنس ، شغل ، سواد، نقش، پایگاه و گروه بندی بسیار متفاوت است و هر کدام با ارزشها ، آرزوها و نگرشها یا دیدگاههای

گوناگونی روبرویند که در نتیجه شیوه های مختلف زندگی را با شدیدترین تناقضها در پی دارد. این امر همراه با افزایش تراکم جمعیت در برخی از محله ها با توجه به تنوع ساکنان و چندگونگی جمعیت موجب شده که شهری مانند تهران به صورت شهر اندر شهر در آید و هر گوشه آن با ویژگیهای خاص خود به صورت شهری جداگانه به حیات اجتماعی خود ادامه دهد.

مهاجرت چیست؟ و مهاجر کیست؟

در لغت نامه جمعیت شناسی آمده است، مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی برای همیشه یا مدت طولانی انجام می گیرد.

برای فهم بهتر این پدیده باید دانست مهاجر کیست و چه تفاوتی با مفاهیمی چون پناهنده و... دارد.

از نظر اداره امور اجتماعی سازمان ملل مهاجر کسی است که :

۱- جهانگرد، بازرگان، دانشجو و یا مسافر عادی نباشد.

۲- جزو ساکنان مراکزی که به طور عادی بین دو کشور رفت و آمد می کنند نباشند.

۳- جز پناهندگان یا افراد یا جمعیت‌های جابجا شده یا انتقال یافته نباشند.

با توجه به مباحث ذکر شده باید گفت: که عوامل - زمانی - مکانی - انگیزشی در بروز پدیده مهاجرت نقش اساسی دارند. بر این اساس می شود گفت که مهاجرت حرکت انسانها از یک نقطه به نقطه دیگر، در فاصله زمانی خاص با قصد و انگیزه بهبود خواهی است و باید دانست که در امر جابجاییهای جمعیتی دو نوع گریز از اضطرار و اجبارهای محیطی، خود نوعی بهبودخواهی و رفاه طلبی است. از این رو انگیزه غالب مهاجرت ها بهبود طلبی، آسایش و آرامش است.

تقسیم بندی مهاجرت ها :

۱- مهاجرت ارادی و خودخواسته

۲- مهاجرت اجباری

۳- مهاجرت توده ای

۴- مهاجرت فردی

۵- مهاجرت قانونی

۶- مهاجرت غیر قانونی

نظریه های مهاجرت :

به طور کلی در خصوص عوامل مؤثر در شکل گیری مهاجرت، دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد. در مورد مهاجرتهای روستا _ شهری کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی، ارتباطی، اداری و غیره مؤثر هستند. علل مهاجرت های روستا شهری با انواع مهاجرت متناسب با بیکاری، فقر عمومی، امکانات شهری، کسب پایگاه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، رشد جمعیت و محدودیت کشاورزی، تفاوت درآمدی بین ساکنان شهری و روستایی ارتباط دارد. علت های مهاجرت را نمی توان از آثار آن جدا کرد؛ چون از یک طرف مهاجرت معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر خودعامل گسترش توسعه نابرابر است؛ چراکه در این راستا نابرابری های ساختی و مکانی بین بخش های یک جامعه در نظر قرار می گیرد.

در خصوص مهاجرت های روستا _ شهری نظراتی گوناگون و متنوع ارائه شده است؛ اما مشخصاً چهار نظریه را می توان در این نوع مهاجرت ها بیان نمود:

۱. نظریه کارکردگرایان

این نظریه بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است و در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می کند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می شود. کنش گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی توانند آنها را برآورده سازند؛ زیرا خصایص ساختن نظام های اجتماعی و کنشگران هرگز در طول زمان ایستا نیستند. این دیدگاه در توجیه مهاجرتهای روستاییان عقیده دارد: از آنجا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط های روستایی برآورده نمی شود و در تعدادی از شهرها پاسخی صحیح برای آن ها وجود دارد، از این رو گونه ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می شود و روستاییان برای برآورد نیازهای خود دست به مهاجرت می زنند؛ بنابراین از دید گاه این نظریه، مهاجرت روستا _ شهری، ناشی از عدم تعادل های اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است.

۲. نظریه وابستگی مهاجرت

در مقابل دیدگاه کارکردگرایان، نظریه پردازان مکتب وابستگی، علل و پیامدهای مهاجرت را در ارتباط با هم می دانند؛ زیرا از نظر آن ها مهاجرت و توسعه نابرابر با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و یکدیگر را تقویت می کنند.

نظریه پردازان مکتب وابستگی در بحث مهاجرت، عدم توسعه را در نظر داشته و تحلیل های خود را در ارتباط با آن ارائه کرده اند. در این دیدگاه مهاجرت روستا به شهر، قانونمند و در عین حال پیچیده تصور شده است که در بردارنده این خصوصیات می باشد:

۱. فراگیر نبودن مهاجرت
۲. اجباری بودن مهاجرت
۳. وجود الگوی معین
۴. اقتصادی بودن مهاجرت
۵. محدودیت مهاجران به نیروی کار

افزایش و تنوع مشاغل شهری موجب م ی شود تا شهرها در نظر روستا بیان بیکار مدینه فاضله به نظر بیاید و همراه با جاذب ههای خود در مقابل دافع ههای روستا مهاجرت را ایجاد می کند.

۳. نظریه مهاجرتی مایکل تودارو (۱۹۷۵)

مایکل تودارو در این نظریه سعی کرده است تا مهاجرت شدت یافته از روستا به شهر را با بیکاری ر و به رشد شهری توضیح دهد. فرضیه آغازین وی این است که مهاجرت عمدتاً پدیده ای اقتصادی است و با بیکاری، تصمیم به مهاجرت منطقی است.

تودارو می گوید اگر تفاوت درآمد بین مناطق شهری و روستایی ۱۰۰ درصد باشد، یعنی اگر شخصی در روستا بدون هیچ درآمدی باشد و احتمال یافتن کار در شهر برای او ۶۰ درصد باشد، بنابراین درآمد او در شهر ۶۰ واحد است و فرد روستایی به شهر مهاجرت می کند.

۴. نظریه عوامل میانی اورت، اس، لی (۱۹۶۶)

این نظریه مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین می کند:

۱. عوامل مرتبط با حوزه مبدأ مهاجرت (برانگیزنده و بازدارنده)

۲. عوامل مرتبط با حوزه مقصد مهاجرت (برانگیزنده و بازدارنده)

۳. موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد

۴. عوامل شخصی

نظریه وی به تئوری دافعه و جاذبه معروف است و بر این اساس، آن صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد به مهاجرت در فرد ایجاد می شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکند، مهاجرت عینیت می یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می کند. وی امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه می داند و در مقابل، هزینه های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب میکند. نقطه قوت نظریه لی، تأکید درست و به جای او بر عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می دهند و به آن مبادرت می ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می مانند.

عوامل مؤثر در مهاجرت های روستا _ شهری

در مورد عوامل مؤثر بر پدیده مهاجرت روستا شهری نظریاتی گوناگون ارائه شده است، اما به طور کلی علل مهاجرت روستاییان بخصوص جوانان را به دو دسته کلی می توان تقسیم نمود:

۱. عوامل مربوط به نیروی جاذبه شهرها :

این عوامل ممکن است اقتصادی اجتماعی یا فرهنگ و زرق و برق شهری باشد که در وهله اول جوانان روستایی را به سوی خود جذب می کند.

۲. عوامل مربوط به دافعه روستاها :

این عوامل نیز مانند سدی در برابر جوان روستایی می باشد؛ بیکاری، کمبود درآمد، نبود امکانات تفریحی و ... همه در دفع جوان از روستا مؤثر است.

به طور کلی در قدیم ترین آثار مرتبط با شناخت عوامل مؤثر در مهاجرت های روستا شهری، آموزش همگانی و انجام خدمت نظام به عنوان دلایل اصلی مهاجرت مطرح می شود به طوری که گوستاو لوبون، نویسنده فرانسوی ، در کتاب روانشناسی توده ها می گوید اگر آموزش و پرورش ما بی فایده بود، می توانستیم به حال بچه های بدبخت اکتفا کنیم؛ اما آموزش و پرورش متضمن خطری بسیار جدی تر است؛ کسانی که آموزش می بینند نسبت به شرایطی که در آن متولد شده اند، نفرتی شدید پیدا می کنند و در پی فرار از آن برمی آیند.

" امیل مانسو" و " ملین" با طرح خدمت نظام به عنوان مهم ترین دلیل مهاجرت روستا_ شهری معتقدند: " بطالتی که برای ارتشیان در دوره خدمت زیر پرچم فراهم می شود، آنها را فاسد و سست می کند. اگر روستاها خالی از جمعیت می شود برای این است که روستاییان در لباس ارتشی عادت سختکوشی طبقه اجتماعی خود را از دست می دهند." (امیل مانسو)

" از آن زمانی که خدمت نظام وظیفه عمومی روستازادگان را به پادگان های شهری کشاند، شدت مهاجرت دو برابر شده است." (ملین)

بررسی نوشته های مربوط به اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، دلایل اساسی مهاجرت های روستا شهری را با ساختارهای اقتصادی مرتبط می سازد. تئوری های عدم تعادل، مهاجرت را ناشی از عدم تعادل بین مناطق می داند؛ مثلاً "بوگ" با طرح مؤلفه های مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت های روستا_ شهری، دو گروه از عوامل شامل عوامل کشش و عوامل فشار در مهاجرت های روستا_ شهری مؤثر هستند. وی معتقد است عوامل کشش یا جاذبه ها عمدتاً فرصت های شغلی بهتر، فرصت های مناسب جهت کسب

درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی و جاذب، فعالیت های فرهنگی، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار و زندگی چون مسکن و خدمات آموزشی و سرانجام فرصت های مطلوب جهت دستیابی به آموزش های تخصصی و حرفه ای چون تحصیل در مراکز آموزشی را در برمی گیرد که عمدتاً در شهرها متمرکزند و پاره ای از عوامل فشار یا دفع نیز سبب جدایی جمعیت از روستاها و جذب آن ها به شهرها می گردد عواملی چون:

۱. کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی

۲. مکانیزه شدن فعالیتهای کشاورزی و ایجاد محدودیت های شغلی در بخش کشاورزی

۳. نبود بستر مناسب جهت رشد خلاقیت های فردی، رشد شخصیت، ازدواج و اشتغال

۴. بروز حوادث طبیعی مستمر چون سیل و خشکسالی ها

۵. وجود روابط ناعادلانه و تبعیض آمیز

از مهم ترین دلایل مانع از ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی محسوب می شود. عده ای دیگر مهاجرت را ارمغان فقر در مناطق روستایی می دانند. در این خصوص مؤنث سازی و سالخورده سازی از پیامدهای مهاجرت های روستا_شهر است، اما شاید مهاجرت برای کسب زندگی مهمترین دلیل برای مهاجرت های روستا_شهری است و پیش بینی می شود همچنان ادامه داشته باشد.

فرضیه زرق و برق شهری معتقد به کشش جوانان روستایی در اثر تبلیغات رسانه های گروهی و داستان های مهاجران پیشین نسبت به الگوهای تفریحی و سبک زندگی شهری است و همچنین عوامل غیراقتصادی همچون دسترسی به خدمات آموزشی، درمانی و زیربنایی، ترک هنجارهای سنتی روستا و آزادی تحرک اجتماعی در کنار زرق شهری جوانان نقش ی بارز دارد. به طور کلی زرق و برق شهری در مهاجرت های روستا_شهری جوانان نقش ی بارز دارد. به طور کلی می توان پذیرفت که در کنار عوامل عینی و اقتصادی، عوامل ذهنی و اجتماعی فرهنگی نیز در تصمیم گیری فرد مهاجر تأثیر دارد.

از عوامل دیگر می توان به رسانه ها اشاره کرد. رسانه بتدریج پیوند انسان با اشیاء، زمان و مکان را قطع می کند و این قطع خاطرات، هویت انسانها را کمرنگ می کند و باعث می شود که انسانها قبل از آنکه به صورت فیزیکی مهاجرت کنند، فکری و ذهنی مهاجرت کرده باشند.

مهاجران وارد شده طی ۵ سال گذشته به تفکیک علت مهاجرت

علت مهاجرت	تعداد	درصد
جستجوی کار	۳۶۴,۶۹۶	۶.۶
جستجوی کار بهتر	۲۱۰,۳۴۱	۳.۸
انتقال شغلی	۲۵۰,۰۸۸	۴.۵
تحصیل	۷۲۸,۸۰۷	۱۳.۲
پایان تحصیل	۴۳,۸۳۸	۰.۸
انجام یا پایان خدمت و وظیفه	۳۲۰,۸۴۵	۵.۸
دستیابی به مسکن مناسب تر	۵۸۵,۹۹۲	۱۰.۶
پیروی از خانوار	۲,۵۵۸,۰۹۵	۴۶.۲
سایر	۳۴۵,۸۷۸	۶.۲
اظهار نشده	۱۲۶,۰۸۶	۲.۳
جمع	۵,۵۳۴,۶۶۶	

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ - مرکز آمار ایران

رسانه ها تنوع گرایی، تجدیدگرایی، ناپایداری و جهانی شدن را در انسان ها تقویت می کنند و زمینه را برای بی هویتی و نیازمند کردن انسان ها به وجود می آورند رسانه ها با شوک هایی که در سطح فردی، ملی، منطقه ای و گاه جهانی وارد می کنند، انسان ها را برای مهاجرت آماده می کنند. نفوذ رادیو، تلویزیون، ماهواره و ... در روستاها جوانان ساکن روستا را تشویق به مهاجرت می کند. آنان جهت پرکردن یکی از خواسته های برحق خود که همان استفاده از ابزار و آلات فرهنگ و هنری در جهت رشد و تعالی علمی و نیز گذراندن اوقات فراغت است، به شهرها کشیده می شوند.

پیامدهای مهاجرت روستا _ شهری

پدیده مهاجرت روستا شهری، یک پدیده اجتماعی اقتصادی است که نتیجه مجموعه ای پیچیده از عوامل اجتماعی روان شناختی، اقتصادی و سیاسی است. فرایند مهاجرت نه تنها بر حجم و رشد جمعیت یک جامعه تأثیر می گذارد، بلکه تغییراتی قابل ملاحظه در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می کند. مهاجرت های

روستا_ شهری باعث افزایش تعداد مردان جوان در شهرهای بزرگ شده و تعادل نسبت مردان و زنان را در دو منطقه شهری و روستایی بر هم زده است.

با توجه به اینکه جوانان بیشتر از هر گروه سنی دیگر تن به مهاجرت می دهند، این موضوع در بلندمدت برای جوامع روستایی حائز اهمیت خواهد بود؛ چراکه با مهاجرت آنان، تولید نسل در جوامع روستایی کاهش می یابد و به دنبال آن جمعیت پویا در روستاها کاهش می یابد و تولید محصول و اقتصاد روستایی نیز کاسته می شود و همچنین از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز روستاها دچار ایستایی می شوند.

امروزه با توجه به اینکه سهم جمعیت شهری و روستایی برعکس شده است و نسبت قابل توجهی از جمعیت شهرها را مهاجرین روستایی تشکیل می دهند، می توان به اهمیت موضوع مهاجرت های روستا شهری پی برد؛ یعنی مهاجرت جمعیتی که تا سه دهه قبل جزو جمعیت مولد کشور به حساب می آمد اکنون به صورت خیل عظیم افراد مشغول به کار هستند یا در مشاغل کاذبی مانند دست فروشی و واسطه گری مشغول می باشند.

وقتی فرهنگ های مختلف با آداب و رسوم و هنجارهای متفاوت از نقاط مختلف در یک نقطه جمع شود و انواع هنجارها حاکم باشد، در نتیجه هر فرد یا گروه به یک نوع هنجار رفتار می کند و هنگامیکه اشخاص محیطشان عوض شود، دیگر هیچ احساسی نسبت به پایبندی به اصول و هنجارها در خود حس نمی کنند و در نتیجه هرج و مرج و آشفتگی رخ می دهد. نتیجه نهایی مهاجرت از روستا به شهر و از بخش تولید به بخش خدمات، رشد مسائل آنومیک در جامعه است.

پرداختن به پیامدهای مهاجرت جوانان به صورت جداگانه به مناطق شهری یا روستایی کاری خطا است؛ بنابراین، پیامدها در مبدأ و مقصد بررسی شده که ممکن است در مبدأ آثاری مثبت بر جای بگذارد، اما در مقصد آثار و عواقب آن ضرورتاً مثبت نخواهد بود. در اینجا جهت شناخت پیامدهای مهاجرت های روستا شهری بر مهاجران نسل جوان، در سه حوزه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به بررسی هر یک به صورت پیامد مثبت و منفی پرداخته شده است.

الف: پیامدهای اقتصادی

عده ای عامل اقتصادی را مهمترین عامل در مهاجرت های روستا شهری می دانند. جوانان روستایی با مشاهده تفاوت درآمدی در شهر و روستا و کمبود درآمدهای مالی خود که جوابگوی نیازهای اصلی و ضروری

آنها نیست، دست به مهاجرت می زنند. آنان برای کسب درآمد بیشتر و رسیدن به آرزوهای خویش، راه شهرها را در پیش می گیرند.

مهاجران در شهرها با شغل های واسطه گری یا خدماتی و دست فروشی می توانند به درآمدی چند برابر روستا دست پیدا کنند و از کارهای سخت و طاقت فرسای کشاورزی نیز آسوده شوند. بدون تردید اختلافات درآمدی شهر و روستا و موقعیت های شغلی و کاری فراوان در شهرها یکی از دلایل عمده مهاجرت جوانان است؛ اما این عامل مؤثر در مهاجرت پیامدهایی در مبدأ و مقصد برجای می گذارد. آثار اقتصادی مثبت آن در نواحی روستایی بیشتر از شهرها خواهد بود و پیامدهای منفی آن در شهرها بیشتر بروز می کند. بررسی ها نشان می دهد جوانان مهاجر اکثراً از مهاجرت به شهرها راضی هستند و زندگی آن ها از لحاظ اقتصادی بهبود یافته است، در ضمن آن ها با حواله کردن پول به روستا نزد پدر و مادر خویش، باعث بهبود وضعیت زندگی آن ها و تقویت بنیه مالی خانواده خود در روستا می شوند. به طور کلی از نظر اقتصادی مهاجرت روستا شهری را برای خود جوانان می توان موفق قلمداد نمود؛ چون آن ها درآمد فعلی در شهر را در روستا هیچگاه نمی توانستند به دست آورند؛ اما همانطور که در بالا نیز اشاره شد، مهاجرت جوانان پیامدهای اقتصادی زیادی در روستاها بجا خواهد گذاشت که مهمترین آن رکود اقتصاد کشاورزی و دامداری در روستا و کاهش تولید و بهره برداری روستایی است. با توجه به اینکه جوانان بیشترین گروه مهاجرین روستا را تشکیل می دهند، کسانی که در روستا به جا می مانند، پیرمردها و پیرزنهها می باشند که توان چندانی برای کشاورزی گسترده ندارند و بیشتر به اقتصاد معیشتی و خود بسنده روی می آورند و به اندازه نیاز سالانه کشت خواهند نمود.

این موضوع در کل کشور به رکود کشاورزی و افزایش واردات محصولات کشاورزی و خروج ارز منتهی خواهد شد و از طرفی پیامد منفی این نوع مهاجر تنها در شه رها را م ی توان به گسترش بخش غیر رسمی اقتصاد و افزایش شغل های کاذب و انگلی و کارهای غیرتولیدی چون دست فروشی، سیگار فروشی و ... اشاره کرد. با توجه به اینکه جوانان مهاجر از روستا فاقد مهارت هستند، در شهرها نمی توانند جذب بازار کار رسمی شوند و بی ثباتی شغلی بیشتر مهاجران را تهدید می کند.

ب: پیامدهای اجتماعی

یکی از تفاوت های محیط شهری نسبت به محیط روستایی، اختلاف زیاد خدمات شهری مانند بهداشت، درمان، آموزش و تأسیساتی مانند آب، برق، گاز، مراکز تفریحی و غیره می باشد. بدیهی است روند مهاجرت ها روستا شهری عمدتاً تحت تأثیر امکانات زیستی

و رفاهی در روستاها و جاذبه های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی شهرها می باشد و در مواردی سیاستگذاری های نادرست آن را تشدید می کند.

در واقع بعد از عامل اقتصادی، عامل اجتماعی و نداشتن امکانات رفاهی نظیر: بهداشت و ... عامل مؤثر در مهاجرت های روستا شهری می باشد با توجه به اینکه جوانان، گروه اصلی مهاجران هستند، پیامدهای اجتماعی مهاجرت آنان به صورتی حادثر نمود خواهد یافت، چراکه روحیه تنوع طلبی جوان از طرفی و هویت طلبی از طرف دیگر، پیامدهای اجتماعی را تشدید خواهد کرد. وقتی جوان روستایی به شهر می آید در اثر همنشینی و رفت آمد با شهروندان آگاهی او افزایش

یافته و جوان از حقوق و مطالبات خود آگاه شده و همین آگاهی منجر به بی اعتمادی و عدم پایبندی به تعهدات شهروندی و حتی در مواردی خرابکاری شده است. از طرف دیگر با جدا شدن جوان از خانواده، حامی خود که والدین باشند را از دست می دهد و با توجه به عدم نظارت والدین بر اعمال او و کاهش اقتدار والدین جوان، پیامدهای حاد اجتماعی بروز خواهد کرد:

همچنین با وجود خرده فرهنگ های متفاوت در داخل اجتماعات شهری و ضعف اعتقادات و کنترل های غیر رسمی، انحرافات اجتماعی افزایش خواهد یافت.

بررسی ها نشان می دهد که پیامدهای اجتماعی فرهنگی مهاجرت بسیار بیشتر خواهد بود و دارای دو بعد مثبت و منفی است. مهم ترین پیامد مثبت مهاجرت روستا شهری را می توان در سهولت و آسایش در زندگی، دسترسی بهتر به وضعیت بهداشتی، بهبود عادات غذایی، گذران اوقات فراغت و امید به زندگی بیان کرد. جوانان روستا در پی یافتن زندگی بهتر مهاجرت از روستا به شهر را آغاز می کنند و تحرک اجتماعی باعث بالا بردن ظرفیت های گوناگون اجتماعی در میان آنها خواهد شد. جوانان با فرار از هنجارهای سنتی موجود در روستا می خواهند که به استقلال فردی و آزادی انتخاب برسند و از تنهایی و انزوای اجتماعی در محیط های روستایی همراه با کار فیزیکی سخت و مداوم نجات پیدا کنند و جهت یافتن منزلت اجتماعی و کسب احترام و تفریحات محرک، شهرها را انتخاب می کنند؛ اما تحقیقات نشان می دهد این نوع مهاجرت ها پیامدهای منفی اجتماعی را نیز برای جوانان و شهرها به همراه خواهد داشت؛ از جمله می توان به فقدان یکپارچگی اجتماعی و گسترش ناهنجاری های اجتماعی در شهرها اشاره کرد. مهاجرت جوانان از روستا به شهر، باعث برهم خوردن ساختار جمعیتی در شهرها و روستاها شده و ترکیب سنی و جنسی جمعیت را از تعادل خارج کرده است، از سویی دیگر سالخورده سازی روستاها باعث شده که امکان ازدواج دختران در روستا از بین برود.

تفاوت بین نسلی در روستاها باعث ایجاد شکاف بین والدین و جوان شده ، به طوری که جوان محیط روستا را دارای هنجارها و مراسم سنتی می بیند و بر ضد آن شورش کرده، دست به مهاجرت می زند و در این بین قطع ارتباط با خانواده و از دست دادن امی خود باعث گرایش جوان به سمت اعتیاد، فساد اخلاقی، دزدی، سرقت و زاحمت های ناموسی و ... می شود یا در شهر احساس غریبه بودن و بیگانگی می کند و به نزوای اجتماعی گرایش می یابد.

ج: پیامدهای فرهنگی

این نظریه، مهاجرت را به عنوان یک تطبیق اجتماعی در پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی تحولات فرهنگی جریان تغییرات جمعیتی ناشی و در سطح ملی و محلی پدید می آید، می داند.

نارسایی های موجود در نظام آموزشی روستایی از جمله عوامل مؤثر در تشویق وانان به مهاجرت به شهرها است. تحصیلات جوان روستایی نیز خود از جمله عوامل رهنگی مؤثر در مهاجرت می باشد و افزایش فاصله فرهنگی بین شهر و روستا بر نرخ هاجرت می افزاید.

با توجه به اینکه اکثریت جمعیت کشورمان را جوانان تشکیل می دهند و عمده ترین سألۀ جامعه های دارای جمعیت جوان مسائل فرهنگی است، وقتی جوانان روستایی هت ادامه تحصیل، گذراندن خدمت سربازی و جستجوی کار و شغل بهتر به شهرها ی آید، تعارض فرهنگی در او ایجاد می شود و مشکلات حادثتر می شود.

جوانان وقتی در معرض انواع کانا لهای ارتباطی و شبکه های جهانی به راحتی با بک های زندگی کشورهای دیگر با خبر می شوند و خود را مقایسه می کنند آن ها اگر رستی جهت پیشرفت نداشته باشند در معرض انواع آسیب ها قرار می گیرند و اگر عتماد به نفس آن ها کاهش یابد، برای فراموش کردن موقعیت خود به دام اعتیاد می افتند یا جذب فرهنگ بیگانه می شوند.

مهمترین پیامد فرهنگی مهاجرت روستا شهری جوانان بهبود وضعیت سواد و سطح علمی و آگاهی آنها می باشد، شهرها با داشتن امکانات آموزشی بهتر و بیشتر باعث شکوفایی استعدادها و نبوغ جوانان روستایی شده است. از دیگر پیامدها می توان به بهبود اوقات فراغت وجود کتابخانه هایی متعدد در شهرها و مکان های فرهنگی افزایش تعامل فرهنگی و تغییر در شیوه لباس پوشیدن و حرف زدن را بیان کرد.

از پیامدهای فرهنگی منفی مهاجرت می توان چنین بیان نمود که در اثر مهاجرت جوانان ، نقش خانواده در انتقال مبانی ارزشی و دینی و ملی به فرزندان کاهش می یابد و جامعه انتقال وظایف تربیتی را برعهده می گیرد و با توجه به اینکه هویت فردی در مرد و زن جوان هنوز شکل نگرفته است، زمینه ها و بستر تعارضات و نیز نفوذ فرهنگ بیگانه به هویت دینی و ملی جوانان ایجاد شده و در صورت ضعف بنیادهای مذهبی جوانی و عدم شکل گیری هویت فردی تأثیرپذیری جوان، الگوهای ضد فرهنگ و دینی تقویت شده و این مرحله آغازین گسترش مشکلات اخلاقی، فساد و بی بندوباری و فحشا در شهرها و جوانان خواهد بود.

انگیزه مهاجرت روستاییان به شهرها

در دیدی کلی، علل تأثیر گذار بر مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران از چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ، جمعیت شناختی و طبیعی ، کشاورزی قابل بررسی است که از این میان بعد اقتصادی نقش عمده ای ایفا می کند و پس از آن ابعاد اجتماعی، فرهنگی، طبیعی ، کشاورزی و جمعیت شناختی قرار دارند.

اصولاً افراد نظام های شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوتی دارند و این تفاوت ها منشأ رفتارهای متفاوت در افراد است. مهاجرت نیز رفتاری اجتماعی است که متأثر از ویژگی های ذکر شده است و از فردی به فرد دیگر و از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت می یابد.

آثار و نتایج مهاجرت

پدیده مهاجرت به واسطه اتکا بر عامل انسانی، آثار بسیاری خصوصاً بر کشور مهاجرپذیر می گذارد تا جایی که افزایش جمعیت مهاجران شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع را تحت تأثیر قرار داده و منافع ملی دولت ها را به چالش می کشد.

پیامدهای منفی مهاجرت

در جامعه مبدأ:

تخلیه روستا: عدم نیروی کار در روستا، استفاده نادرست از منابع موجود روستایی که خود عامل بقاء و ادامه توسعه نیافتگی مناطق روستائی است _ را بدنبال دارد.

مهاجرت علاوه بر اینکه عامل تقویت توسعه نیافتگی در منطقه مهاجر فرست می‌باشد، ایجاد و تشدید نارسائیهای منطقه مهاجر پذیر را نیز باعث می‌شود.

در جامعه مقصد:

عدم امکان جذب و پیامدهای آن، بهم خوردن ترکیب سنی، ایجاد کشمکش، اقدامات غیر قانونی، مشکلات سیاسی

از دیگر تبعات مهاجرت روستاییان به شهرها:

- تقلیل جمعیت مبدا (روستاها)
- تخلیه نیروی کار فعال و کارکن و مستعد روستاها
- برهم زدن ترکیب جمعیت روستایی
- دگرگونی قشر بندی روستاها
- فروپاشی تدریجی کشاورزی روستایی
- رویکرد کشاورزی دهقانی به کشاورزی تجاری (کشت محصولات بازاری و صادراتی)
- دگرگونی تدریجی چهره طبیعی روستاها
- افزایش جمعیت مقصد
- دگرگونی قشر بندی جمعیت شهری
- پرولتریزه شدن روستاییان شهرنشین شده و افزایش گروه درماندگان شهری
- افزایش مشاغل کاذب مانند دستفروشان دوره گرد
- پیدایش حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ و عواقب ناشی از آن
- عدم کفایت امکانات و خدمات شهری برای شهرنشینان
- رشد بیمارگونه شهرهای مختلف و توسعه ناهماهنگ آنها به علت توزیع نامتوازن مهاجرتها
- جذب و نابودی تدریجی زمین های شهری و گرانی آنها
- دگرگونی قهری محیط طبیعی و آلودگی محیط زیست شهرها

از آثار مهاجرت نسبت به کل کشور به هم خوردن سلامت اقتصادی و اجتماعی جامعه در اثر عدم تعادل رشد جمعیتی شهر و روستا و تغییر ماهیت اشتغال روستایی و شهری است. یکی از نتایج این امر تغییر جدول اشتغال در سطح کشور است.

از نتایج دیگر مهاجرت‌های روستایی در کشور دشواری‌های فراوانی است که در برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های دولت به وجود می‌آورد؛ چراکه به علت مهاجرت‌های بی‌برنامه روستاییان، پیش‌بینی جمعیت و رشد آن در مناطق شهری و روستایی و در نتیجه سرمایه‌گذاری و برنامه ریزی در بیشتر بخش‌های فعالیت اقتصادی امکان‌ناپذیر می‌شود و یا دستکم به تاخیر می‌افتد.

از آثار تعیین‌کننده مهاجرت‌های روستایی تشدید الزامی وابستگی غذایی کشور به ممالک خارجی بویژه کشورهای صنعتی تولیدکننده غذا است. در نتیجه این امر هر روز بیشتر از پیش مواد غذایی زیاده‌تری وارد کشورهای جهان سوم می‌شود و وابستگی آنها را شدت می‌بخشد.

در جمع بندی نتایج مهاجرت‌های روستایی در سطح کلان و در قلمرو کشور آنها را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

- عدم تعادل رشد جمعیتی در شهر و روستا و به هم خوردن تعادل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در سطح مملکت
- تغییر جدول اشتغال کشوری
- جلوگیری از سیاست‌گذاری برنامه‌ها به دلیل عدم امکان پیش‌بینی رشد جمعیت در شهر و روستا
- به تاخیر افتادن سرمایه‌گذاری در بخش‌های فعالیت اقتصادی
- کاهش تولید و افزایش مصرف و در نتیجه مصرفی شدن جامعه
- تشدید وابستگی غذایی کشور و ورود هرچه بیشتر مواد غذایی
- حذف تدریجی فرهنگ بومی و پذیرش فرهنگ شهری جدید.

چگونگی ایجاد مهاجرت معکوس

- توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات
- توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها
- تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا و نزدیک بودن آن به محل کار و فعالیت
- کاهش هزینه‌های پولی مهاجرت به واسطه امکان به‌وجودآمدن حمل و نقل فعال
- داشتن شغل، مسکن و محل سکونت بهتر و برخورداری از آرامش
- یکسان کردن درآمد انتظاری شهر و روستا
- ساماندهی و بهسازی کالبدی روستاها به‌منظور مکان‌یابی اماکن گردشگری و از این طریق ایجاد زمینه توسعه و عمران روستاها با توجه به شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی
- بررسی و شناخت سیاست‌های تشویقی دولت مانند دادن زمین، وام، افزایش حقوق ماهیانه
- شناخت میزان اثرگذاری هریک از اقلام تشویقی دولت در ایجاد تمایل به مهاجرت معکوس همانند: مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی و اداری و سازمانی

عوامل جمعیت‌شناختی مهاجرت

مهاجرت پدیده‌ای پیچیده است که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی و... ارتباط دارد. مهاجرت یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و دگرگونی‌های فرهنگی است که از جریان دگرگونی‌های جمعیت‌ناشی می‌شود و در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی پدید می‌آید. همان‌گونه که پیامدهای مهاجرت، مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، علت شکل‌گیری مهاجرت را نیز باید هم در مبدأ و هم در مقصد جستجو کرد. عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد در یک ارتباط متقابل با همدیگر، افراد را به حرکت و مهاجرت وا می‌دارند. بررسی‌ها و تحقیقات مختلف راجع به سنجش علل مهاجرت، اغلب به نتایج متفاوت منجر می‌شوند. زیرا تفاوت‌های جغرافیایی، طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و... مانع از دستیابی به نتایج یکسان می‌شود. از سوی دیگر سن پاسخگویان، زمان، واحد تحلیل و عواملی از این قبیل نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مهاجرت ممکن است به یک علت خاص صورت نگیرد بلکه ترکیبی از عوامل مختلف باعث مهاجرت شوند. مثلاً وقتی از بیکاری، پیدا کردن شغل، دستیابی به تسهیلات و یا فقر بحث می‌کنیم باید توجه داشته باشیم که همه این عوامل در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. هر کدام از علل مهاجرت مانند بیکاری، فقر، کمبود امکانات و تسهیلات، ازدواج و... تنها شرط

لازم مهاجرت محسوب می‌شوند. شرط کافی برای مهاجرت آگاهی و شناخت جاذبه‌های مقصد است یعنی اینکه فرد مهاجر تصور ذهنی مساعدی نسبت به مقصد پیدا کند. در بیشتر متون مربوط به مهاجرت، از عوامل اقتصادی مانند پیدا کردن شغل، تفاوت دستمزد بین شهر و روستا به عنوان عوامل تعیین کننده مهاجرت یاد می‌کنند. اگرچه اقتصاد یکی از مهمترین ابعاد شکل دهنده مهاجرت محسوب می‌شود اما این بدان معنی نیست که عوامل دیگر مانند تبعیت از خانوار، ازدواج، و عوامل فرهنگی و دیگر عوامل تبعی در شکل دهی مهاجرت نقشی ندارند. به نظر می‌رسد که شکل و ماهیت مهاجرت‌ها دچار یک دگرگونی بنیادی گشته و نسبت به گذشته متفاوت شده است. در مهاجرت‌های تبعی اگرچه مهاجران اختیار و اراده چندانی ندارند اما این بدان معنی نیست که این نوع مهاجرت‌ها اهمیتی ندارند زیرا تحرک جمعیت و انتقال افراد از یک مکان به مکان دیگر حائز اهمیت است و تمرکز بیش از حد جمعیت در یک منطقه و خالی از سکنه شدن مناطق دیگر مشکلات جدی برای مبدا و مقصد ایجاد خواهد کرد. علل مهاجرت‌های بی رویه روستائیان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که تبعیت از خانوار، ازدواج، دستیابی به امکانات و تسهیلات و پیدا کردن کار دیگر یا کار بهتر مهمترین علل مهاجرت روستائیان محسوب می‌شوند. ازدواج و تبعیت از خانوار هم برای زنان و هم برای مردان مهمترین عامل مهاجرت بوده است. غیر از دو عامل فوق، جستجوی کار دیگری یا کار بهتر برای مردان عامل مهمی بوده است در حالیکه برای زنان عامل اقتصادی هیچ نقشی نداشته است و بیشتر به خاطر پیروی از خانواده اقدام به مهاجرت کرده اند. علت مهاجرت اقوام مختلف معمولاً با هم متفاوت است. مهاجرت‌ها به علت وجود عامل مداخله‌گر فاصله و مسافت بیشتر درون استانی هستند و اکثر مهاجران باسواد و شاغل هستند.

تأثیر مهاجرت بر جمعیت:

نکته اصلی این است که کشوری بخواهد جمعیت خود را اضافه کند یا نکند، محیط گرایان می‌گویند کشورهای صنعتی که در مصرف منابع زمینی خود اصراف می‌کنند، باید به فکر کاهش جمعیت خودشان باشند. از سوی دیگر ملی گرایان بیشتر می‌خواهند جمعیت کشورشان را حفظ کنند یا افزایش دهند، بخشی از آن به این دلیل است که ظاهراً اندازه جمعیت با غرور و مردانگی ملی رابطه دارد، اما بخشی هم به این دلیل است که کاهش نرخ زاد و ولد معمولاً با افزایش جمعیت سالخوردگان غیر فعال است. از این رو در بعضی از جاها گروه سومی در این میان قرار دارد که به آرامی وضع موجود را حفظ می‌کند و گرایش به رشد جمعیت صفر را نشان می‌دهد، گرچه گاهی اوقات حفظ ثبات جنسیت، ترجیحی غیر منطقی به شما رمی آید. در هر صورت کنترل جریان کوچ به هر هدفی باشد، راهی علمی برای نظم بخشیدن به اندازه و

ویژگی های جمعیت است. روشن ترین تاثیر کوچ رami توان براندازه جمعیت بطور کلی مشاهده کرد. در سالهای اخیر درون کوچی بر افزایش جمعیت بسیاری کشورها تاثیر بسزایی داشته است. تاثیر دیگر درون کوچی اینکه می تواند جمعیت کشوری را جوانتر کند ولی تاثیر آن به اندازه ای که بعضی اوقات فکر می کنند نیست. درون کوچی میانگین سنی جمعیت را به چند دلیل کاهش می دهد. نخست اینکه میانگین سنی درون کوچندگان جدید کمتر از جمعیت میزبان است جوان بیشتر ممکن است مهاجرت کند. آنها از نظر مالی و روانشناختی به اندازه پدر و مادرانشان، بستگی استوار یبه کشور زادگاهشان ندارند. این افراد ممکن است در امر خانه یا کسب و کار سرمایه گذاری چشم گیر نموده و یا در شبکه گسترده دوستانه یا روابط کارآمد و یا در شبکه اطلاعات مفیدی شرکت داشته باشند. اینها سالهای کاری بیشتری را در پیش رودارند که می توانند با آن هزینه برون کوچی خود را جبران کنند. دومین دلیلی که درون کوچندگی موجب پایین آوردن میانگین سنی جمعیت جامعه میزبان می شود، اینکه خانواده های درون کوچنده در آغاز بیش از خانواده های کشور میزبان، تمایل به داشتن فرزند بیشتر دارند. این واقعیت از یک مقایسه بین المللی "نرخ کلی باروری" بین اهالی یک کشور و خارجیان ساکن در آنجا روشن می گردد.

توزیع مهاجران وارد شده طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ برحسب آخرین محل اقامت قبلی و محل اقامت فعلی

محل اقامت فعلی				کل کشور تعداد	آخرین محل اقامت قبلی
ساکن در نقاط روستایی		ساکن در نقاط شهری			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۲.۲۷	۱۲۳۲۵۸۰	۷۷.۷۳	۴۳۰۳۰۸۶	۵۵۳۴۶۶۶	کل مهاجرین.....
۳۰.۶۳	۶۰۷۵۷۷	۶۹.۳۷	۱۳۷۶۲۹۹	۱۹۸۳۸۷۶	شهرستان محل سرشماری.....
۲۴.۹۹	۲۹۰۵۴۷	۷۵.۰۱	۸۷۱۹۶۱	۱۱۶۲۵۰۸	شهر.....
۳۸.۹۹	۳۱۳۰۴۶	۶۱.۰۱	۴۸۹۷۹۶	۸۰۲۸۴۲	آبادی.....
۲۱.۵	۳۹۸۴	۷۸.۵	۱۴۵۴۲	۱۸۵۲۶	اظهار نشده.....
۱۹.۰۸	۲۱۳۶۳۸	۸۰.۹۲	۹۰۵۹۱۳	۱۱۱۹۵۵۱	سایر شهرستان های استان.....
۱۸.۱۲	۱۸۰۲۷۲	۸۱.۸۸	۸۱۴۷۶۵	۹۹۵۰۳۷	شهر.....
۲۸.۲۴	۳۱۸۲۰	۷۱.۷۶	۸۰۸۴۷	۱۱۲۶۶۷	آبادی.....
۱۳.۰۵	۱۵۴۶	۸۶.۹۵	۱۰۳۰۱	۱۱۸۴۷	اظهار نشده.....
۱۵.۶۵	۳۱۰۸۲۵	۸۴.۳۵	۱۶۷۵۱۰۲	۱۹۸۵۹۲۷	شهرستان های سایر استان ها.....
۱۵.۳۲	۲۸۴۷۲۷	۸۴.۶۷	۱۵۷۲۳۱۴	۱۸۵۷۰۴۱	شهر.....
۲۱.۹۸	۲۳۸۴۲	۷۸.۰۲	۸۴۶۰۸	۱۰۸۴۵۰	آبادی.....
۱۱.۰۴	۲۲۵۶	۸۸.۹۶	۱۸۱۸۰	۲۰۴۳۶	اظهار نشده.....
۲۳.۱۵	۲۳۷۳۰	۷۶.۸۵	۷۸۷۸۹	۱۰۲۵۱۹	خارج از کشور.....
۲۲.۴۱	۷۶۸۱۰	۷۷.۵۹	۲۶۵۹۸۳	۳۴۲۷۹۳	اظهار نشده.....

جدول توزیع مهاجران وارد شده طی ۹۰ - ۱۳۸۵

نسبت از کل	تعداد	عنوان
۵۸.۹	۳,۲۵۹,۰۴۰	شهر به شهر
۱۱.۸	۶۵۵,۲۵۱	آبادی به شهر
۱.۴	۷۸,۷۸۹	خارج از کشور به شهر
۵.۶	۳۰۹,۰۰۶	اظهار نشده به شهر
۶.۷	۳۶۸,۷۰۸	روستا به روستا
۱۳.۷	۷۵۵,۵۴۶	شهر به آبادی
۰.۴	۲۳,۷۳۰	خارج از کشور به آبادی
۱.۵	۸۴,۵۹۶	اظهار نشده به روستا
۱۰۰.۰	۵,۵۳۴,۶۶۶	جمع

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ - مرکز آمار ایران